

متن پرسش

با عرض سلام: مطلبی در ضمیرم چند صباحیست که پرسه می‌زند و آن اینست که چرا اینقدر زود پا به عرصه هستی نهادم. حال اگر از بیگ بنگ و یا تکامل نسل آدمی از بقیه جانوران حساب نکنیم و همان ۶، ۷ هزار سال که دین مطرح می‌کند بگیریم و قبل از اختراع خط که چیز چندانی دست بشر نیست بعد از خط که چند هزار سال می‌شود و کل دارایی ما از تطورات هستی است قبل از رنسانس هم که چیز چندانی دست بشر نیست بعد از آن درین ۴، ۵ قرن تا قبل از تکنولوژی فیلم برداری عملاً تاریخ مکتوب بود نه مصور درین ۱۵۰ سال اخیر گوشه‌هایی از تاریخ را می‌توان نظاره‌گر بود پس از آن ظهور اینترنت را شاهدیم که چند دهه‌ای عمر بیشتر ندارد و موجب دسترسی همگان به گوشه‌ای از اقیانوس اطلاعات شده است اما با همه این حرفها بشر و غرب در اوایل راه است و غرب پروژه نوپا است نه ناتمام و برایم مطلوب نیست که درین اوایل کلاس هستی باشم و بعد از این هستی و مظهر باقرالعلومی آن که غرب باشد افقهای ناگشوده‌ای را بشکافند و من زیر خروار خاک‌ها. از طرفی می‌گویم طلب عین ثابتم بوده درین زمان درین کشور جهان سوم و در ناکارآمدترین دولتش باشم از طرفی این طلب کنونی که در عین ثابت بود چرا اعتنا نکرد و چرا تولدم را در آخرین سالهای اقامت بشری درین کره و به توفیق تکاپوهای غرب در سایر کره‌ها کهکشانها و حتی جهان‌های دیگر قرار نداد به عبارتی می‌خواستم آنقدر به قیامت نزدیک می‌بودم که با صور اسرافیل مرگم مصور می‌شد و قبل از آن کل دفتر هستی از اول تا انتها را ورق می‌زدم و با جمیع ظهورات هستی در تاریخ تا قیامت همراه می‌شدم تصور کنید سال ۵۰۰ میلیون شمسی متولد شده بودیم فارغ از شان‌های مختلفه‌ای که حق دران درین همه سال رخ نموده است و می‌توانستیم همه را احصا کنیم در آن سال چقدر مثلاً درس تاریخ جذاب تر بود الان ۲۰ تا ۳۰ سلسله داریم و تمام. در آن سال ای بسا با میلیونها سلسله روبرو هستیم و هریک نکاتی برای آموختن دارند چه شاهنشاهی‌ها و ای بسا جمهوری‌هایی بعد ازین رخ می‌نمایند فرض کنید جمهوری باشد مراسم تحلیف صد و بیست و پنج میلیونی ام این رییس جمهوری دمکراتیک ایران، ببینید چقدر جذاب تر بود یک درس تاریخ چه رسد به سایر شعب علم بخصوص ادبیات و عرفان این تازه جلوه‌علیمی حق است سایر اسما و ظهوراتش بماند نمی‌دانم راهی هست که چند دهه قبل از قیامت رجعت کنم تا امکان مطالعه کل هستی باشد؟ چه دعایی درین زمینه وارد شده است دعای عهد برای رجعت بعد القیامی است من قبل القیامتی را خواستارم. اللهم الرجعی قبل القیامه بلطفک و المنک و الکرامه لئن اطالعت کل الکتاب الوجود یا ذالاکرام و النعمه و الجود (چه توان کرد تجربه نبوی را باید بسط داد و دعاها را تکمیل کرد اگر در دعاها مضمون من نیامده به یاری

حق این دعا فوق جمیع دعاها و افقی می‌گشاید که هیچ یک از ادیان نگشود)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پسر! این حرف‌ها چیست؟! به جمله‌ی امیرالمؤمنین (ع) فکر کنید که می‌فرماید:

مَا فَاتَ مَضِيَّيَ وَ مَا سَيَّأْتِي فَأَيُّنَ قُمْ فَأَعْتَنِمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمِينَ

آنچه از دست رفت که گذشت، و آنچه هم که نیامده، کو؟ پس همت کن و فرصتی را که بین دو عدم - گذشته‌ای که رفت و آینده‌ای که نیامده - قرار دارد، غنیمت شمار همچنان که حضرت می‌فرماید: «الْمَرْءُ بَيْنَ سَاعَتَيْهِ» [۱] انسان بین دو ساعت - ساعتی که گذشت و ساعتی که نیامده - جای دارد

خداوند با نوری که بر قلب انسان می‌اندازد، او را با خودش روبه‌رو می‌کند تا راه را به او بنمایاند، از این به بعد این انسان است که باید مواظب باشد از آن ملاقات گوارا نهایت استفاده را بکند وگرنه آن نور می‌رود و او برای همیشه محروم می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این مورد می‌فرماید:

«مَنْ وَجَدَ مَوْردًا عَذْبًا يَزْتَوِي مِنْهُ فَلَمْ يَغْتَنِمْهُ يُوشِكُ أَنْ يَظْمَأَ وَ يَطْلُبُهُ فَلَا يَجِدُهُ» [۲]

هر که جایگاه آب گوارایی را که می‌تواند از آن سیراب گردد بیابد و آن را غنیمت نشمارد، بی شک تشنه ماند و در شرایطی قرار گیرد که طلب آن کند پس آن را نیابد.

یافتن آب گوارا در حدیث فوق، همان به سراغ آمدن «وقت» است و غنیمت شمردن آن، به این شکل که انسان قلب خود را برای تجلی آن نور از هر فکر و خاطری خالی کند و از غیر حق جان را منصرف گرداند، در این حال می‌گویند به پیام «وقت» عمل کرد.

در همین رابطه است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فِي كُلِّ وَقْتٍ عَمَلٌ» [۳] در هر وقتی عملی است. و نیز می‌فرماید: «مَنْ أَخَّرَ الْفُرْصَةَ عَنْ وَقْتِهَا فَلْيَكُنْ عَلَى ثِقَةٍ مِنْ فَوْتِهَا» [۴] هر که فرصت مناسبی را از دست دهد باید مطمئن باشد که آن «وقت» دیگر به دست نمی‌آید.

چون وقتی در «وقت» قرار گرفتی، آن وقت هدیه‌ی الهی است برای ارتباط خاص با حقایق و اسماء خاص که مخصوص همان وقت است و راهنما به اموراتی است که شایسته است سالک در همان «وقت» متوجه همه آن‌ها شود. حال اگر به جهت مشغله‌های دنیایی از آن استفاده نکردی، به خفا می‌رود و دیگر آن را نمی‌یابی. موفق باشی.

[١] - «تصنيف غرر الحكم و درر الكلم»، ص ٤٧٣.

[٢] - «غررالحكم»، ص ٤٧٤.

[٣] - «بحارالانوار»، ج ٣٤ ، ص ١٧٥ .

[٤] - «مستدرک الوسائل»، ج ١٢ ، ص ١٤٣.